

علل پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در نواحی روستایی

چکیده

از ویژگی‌های مهم اقتصادی در نواحی روستایی ایران، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید است. بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی کشور بسیار پایین است. اقتصاد روستایی کشور تا حدود زیادی به اقتصاد کشاورزی وابسته است. در بخش کشاورزی به دلیل عدم قابلیت جذب نیروی انسانی و وجود نیروی انسانی مازاد یا تمرکز نیروی کار و ساخت نیروی شاغل دارای بهره‌وری پایین است. بهره‌وری نیروی کار در سی سال گذشته رشد بسیار اندکی داشته است. عوامل مؤثر در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی را می‌توان عمدتاً به دو دسته‌ی عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد. این عوامل مانع از شکل‌گیری سرمایه در مناطق روستایی شده و بر عدم برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های لازم در این مناطق مؤثر بوده است. نبود امکانات و زیرساخت‌ها در عقب ماندگی مناطق روستایی در کشور مؤثر بوده است. مقاله‌ی حاضر به بررسی و بیان مهمترین علل پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید و در نتیجه عقب ماندگی اقتصادی روستایی اشاره دارد. این تحقیق عمدتاً به صورت اکتشافی و استفاده از منابع و اطلاعات موجود و بهره‌گیری از نتایج بازدیدها و مشاهدات میدانی در مناطق روستایی چندین استان کشور صورت گرفته است.

درآمد:

در مورد عقب ماندگی اقتصادی مناطق روستایی دو ایده و نظر کلی وجود دارد. دسته‌ای از نظریات به عوامل اکولوژیکی و محیطی نظیر: شرایط اقلیمی، نوع خاک، نحوه‌ی دسترسی به آب و دسته‌ی دوم به عوامل اقتصاد سیاسی، نظیر: شرایط دسترسی به فن‌آوری، سرمایه، قوانین تجاری، شیوه‌ی مبادله و... اشاره دارد (چمبرز، ۱۹۸۶: ۴۰-۳۵).

در ایران یکی از دلایل اساسی عقب ماندگی اقتصادی نواحی روستایی، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید است. در مناطق روستایی کشور بهره‌وری عوامل تولید (نیروی انسانی، زمین، آب، سرمایه و...) بسیار پایین می‌باشد. بخش کشاورزی به دلیل عدم قابلیت جذب نیروی انسانی و وجود نیروی انسانی مازاد و همچنین ساختار سنتی خود و در نتیجه تولید اندک، از نظر نیروی کار دارای بهره‌وری پایین است. در سی سال اخیر بهره‌وری نیروی کار رشد بسیار اندکی داشته است. این موضوع دلایل مختلفی دارد: یکی به خاطر تمرکز نیروی کار و افراد مازاد بخش، دیگر به دلیل ساخت نیروی شاغل در این بخش که دارای بافت سنتی تولید کشاورزی است. نیروی کار در بخش کشاورزی به دلیل کهنلت سن و بی‌سوادی و عدم تخصص و مهارت بارقه‌ی امید را در این بخش ضعیف کرده است، مگر این که تغییر و تحولی در این زمینه ایجاد شود. همچنین رشد ناچیز بهره‌وری بخش کشاورزی به دلیل عدم استفاده از وسایل نوین و مکانیزه‌ی مناسب با ساختار کشاورزی تحولی را طلب می‌کند.

نرخ رشد متوسط بهره‌وری نیروی کار در سال‌های ۱۳۳۸-۶۵، حدود ۴/۵ درصد بوده است. وخامت وضع بهره‌وری نیروی انسانی موقعی روشن تر می‌شود که بهره‌وری این بخش را با دیگر بخش‌های اقتصادی مقایسه کنیم. در سال ۱۳۳۸ بهره‌وری کشاورزی برابر ۴/۹ درصد بوده که این رقم برای صنعت برابر ۴/۰۵ درصد بوده است. تا سال ۱۳۴۲ بهره‌وری کشاورزی از صنعت بیشتر بوده، ولی پس از آن تا سال ۱۳۷۵، همواره بخش صنعت از بهره‌وری بیشتری برخوردار بوده است. در مجموع می‌توان گفت که در طول سی سال بهره‌وری نیروی کار در بخش نفت (بارقمی بسیار بالا در مقایسه با دیگر بخش‌ها) در مقام اول قرار دارد. پس از آن، بخش خدمات و سپس بخش صنایع و معادن و در انتهای جدول رده‌بندی بخش کشاورزی قرار دارد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۳). هدف این مقاله بررسی عوامل مؤثر در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی است. نبود اطلاعات لازم و روزآمد، یکی از مهمترین مشکلات موجود در سر راه انجام این تحقیق بوده است.

علل پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در نواحی روستایی

عوامل مؤثر در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی را می‌توان به دو دسته‌ی عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم کرد. در ادامه به تشریح این دو دسته عوامل اشاره می‌شود.

۱. علل درونی

مهمترین علل درونی پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی کشور به شرح زیر است:

۱-۱. بالا بودن زاد و ولد و نرخ رشد جمعیت

مناطق روستایی کشور دارای نرخ رشد جمعیت بالایی هستند. نرخ بالای زاد و ولد و پیشرفت دانش پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی که منجر به کاهش نرخ مرگ و میر شده و همچنین عدم شناخت و درک شرایط و مصالح فردی و خانوادگی و اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت، باعث شده است که رشد سریع جمعیت در دهه‌های گذشته پدیدار شود.

یکی از دلایل بالا بودن رشد جمعیت در مناطق روستایی، بالا بودن میزان مولید در این مناطق است. میزان مولید در مناطق روستایی بسیار بالاتر از مناطق شهری است. بر اساس اطلاعات موجود میزان مولید در سال ۱۳۷۵ در کل کشور حدود ۴۲ در هزار بوده است. در همین سال میزان مولید در مناطق شهری ۳۲.۵ و در مناطق روستایی حدود ۴۹ در هزار بوده است (جوان، ۱۳۸۰: ۲۸۱). بالا بودن نرخ رشد جمعیت در این مناطق باعث افزایش نرخ بیکاری، افزایش نرخ مهاجرت روستائیان به شهرها و به تبع آن افزایش سالخوردگان، افزایش نسبت افرادی که پایین‌تر از حداقل معیشت قرار دارند، افزایش بعد خانوار، افزایش بار تکفل، پایین بودن نرخ پس‌انداز، جوانی جمعیت، کاهش تجربه، کاهش امکان استفاده از فن‌آوری و کاهش سطح سواد و مهارت می‌شود. از طرف دیگر بالا بودن نرخ رشد جمعیت باعث می‌شود تا سرانه‌ی زمین و امکانات تولید به شدت کاهش یابد. این موضوع در کاهش درآمد خانوارها اثر می‌گذارد. کاهش درآمد موجب کاهش دسترسی به امکانات تولیدی شده و مانع از بهره‌برداری مناسب از عوامل تولید می‌شود. علاوه بر بالا بودن نرخ رشد جمعیت، بالا بودن میزان بی‌سوادی از عمده‌ترین خصیصه‌های جمعیتی مناطق روستایی است. در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۳ درصد از خانوارهای روستایی کشور فاقد حتی یک فرد باسواد در خانوار خود بوده‌اند (همان، ۲۸۱). اطلاعات موجود نشان می‌دهد که میزان بی‌سوادی در مناطق روستایی بسیار بیشتر از مناطق شهری است. همچنین میزان بی‌سوادی در بین زنان روستایی نیز بسیار بالاتر از مردان روستایی است.

۱-۲. عدم دسترسی به امکانات عمومی:

اغلب روستاهای کشور به امکانات عمومی در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی و درمانی، خدمات عمومی، خدمات زیربنایی و رفاهی، دسترسی کافی ندارند. نبود امکانات عمومی مانع از بهره‌برداری بهینه از منابع تولید می‌شود. کمبود و یا عدم دسترسی به خدمات تولیدی در افزایش هزینه‌های تولید، کاهش درآمد و در مواردی از بین رفتن محصولات کشاورزی روستائیان دخالت دارد. یکی از موارد مهم که به کمبود امکانات بستگی داشته، میزان بی‌سوادی در روستاهاست. هر چند عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در این امر تأثیر داشته، اما نبود دسترسی به امکانات آموزشی و ناتوانی مالی روستائیان در این موضوع اثر داشته است.

۱-۳. غلبه داشتن کشاورزی سنتی به عنوان مهمترین بخش اشتغال و تولید

فعالیت اصلی روستائیان ایران، کشاورزی است و تقریباً تمام شاغلان بخش کشاورزی در مناطق روستایی ساکن هستند. بر اساس آخرین گزارش رسمی مرکز آمار ایران در مورد سطح زیر کشت محصولات کشاورزی، حدود ۸۶ درصد از زمین‌های زیر کشت آبی، ۸۵ درصد زمین‌های زیر کشت دیم، ۷۸ درصد باغ‌ها و قلمستان‌های موجود به بهره‌برداری روستایی تعلق دارد. از سوی دیگر ۸۲ درصد بز و بزغاله، ۸۴٫۲ درصد گوسفند و بره، ۹۰ درصد گاو و گاو میش کشور در مناطق روستایی قرار دارد. در واقع، بیش از ۸۷ درصد منابع تأمین امنیت غذایی در مناطق روستایی جای دارد (افتخاری، ۱۳۸۲: ۵۷).

رواج کشاورزی سنتی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی، توزیع ناعادلانه‌ی مالکیت زمین، بالا بودن نرخ بی‌سوادی، پایین بودن نرخ پس انداز، کمبود منابع مالی، پایین بودن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و کاربرد تکنولوژی عقب مانده، باعث کاهش بهره‌وری زمین، آب و نیروی انسانی می‌شود. پایین بودن بهره‌وری نیروی انسانی زمانی اتفاق می‌افتد که تعداد افراد بیشتری در یک قطعه زمین مشغول به کار باشند. به عبارت دیگر وقتی عملیات مختلف کشاورزی (کاشت، داشت و برداشت) در یک هکتار زمین به دو کارگر نیاز داشته‌باشد، و عملاً بیش از چهار تن در این قطعه زمین مشغول باشند، بهره‌وری نیروی کار به نصف کاهش یافته است.

قابل ذکر است که در کشورهای پیشرفته به برکت وجود واحدهای تحقیقاتی و پژوهش گسترده، هر روز شاهد عرضه‌ی انواع مختلفی از بذرها و اصلاح شده، سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی متناسب با نیاز

کشاورزان بوده و با توجه به نرخ بالای با سواد و وجود امکانات مالی، شیوه‌های جدید به سرعت جایگزین شیوه‌های قدیمی کشاورزی می‌شود به گونه‌ای که کمتر از ۵ درصد نیروی کار این کشورها در این بخش شاغل بوده و قادر است نه تنها نیازهای غذایی مردم و مواد اولیه سایر بخش‌های داخلی را تأمین کند، بلکه قادر است مقادیر قابل توجهی از تولیدات خود را صادر نماید.

۱-۴. محدودیت منابع تولید

یکی از عواملی که نقش مؤثری در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید دارد، محدودیت منابع تولید است. در مناطق روستایی کشور منابع تولید اعم از زمین، آب و سرمایه بسیار محدود است. در برخی از مناطق روستایی کشور نظیر مناطق شمال و شمال غرب کشور محدودیت زمین از عمده‌ترین مشکلات است. در بخش‌های دیگر به دلیل محدودیت‌های محیطی و اقلیمی، منابع آب بسیار کم است.

از مجموع ۱۶۵ میلیون هکتار اراضی کشور حدود ۶۰ درصد از آن مناطق کوهستانی و یک سوم دیگر مناطق بیابانی است. برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۳۳ درصد خاک‌های کشور، یعنی حدود ۵۱ میلیون هکتار، دارای استعداد کشاورزی است. از این میزان بالغ بر ۳۲ میلیون هکتار در امر تولید به کار گرفته نمی‌شود. علاوه بر محدودیت منابع در مواردی از منابع محدود استفاده مناسبی نمی‌شود. از مجموع اراضی زیر کشت در سال ۱۳۸۲، حدود ۵۳ درصد به صورت کشت دیم بوده که بیشتر دارای بازده بسیار کم است. (عملکرد گندم دیم، ۹۲۰ کیلو گرم و عملکرد جو، ۸۳۰ کیلو گرم بوده است. در حالی که گندم آبی، بیش از ۳ تن و جو آبی حدود ۲.۷ تن بوده است).

بنابر گزارش فائو، حداقل ۴۰ درصد گندم ایران در مناطقی کشت می‌شود که از هر هکتار تنها ۸۰۰ کیلو گرم برداشت می‌شود و حتی در زمین‌های تحت آبیاری نیز متوسط عملکرد گندم در هر هکتار به ندرت از سه هکتار تجاوز می‌کند که کمتر از نصف عملکرد تولید گندم در مصر به میزان ۶/۴ تن در هکتار می‌باشد، ولی با این حال در سال ۲۰۰۴ میلادی به دلیل بارندگی خوب و به موقع، متوسط عملکرد تولید گندم در ایران به ۲/۳ تن در هر هکتار رسید، که اندکی پایین‌تر از متوسط عملکرد جهانی تولید گندم یعنی ۲/۶ تن در هکتار می‌باشد (www.iran-emrooz.net/index.php).

عدم استفاده از آب‌های جاری و سطحی، عدم استفاده از انرژی باد و خورشید، نبود شناخت از قابلیت‌های محیطی، نبود امکانات بهره‌برداری بهینه از قابلیت‌های محیطی به دلیل نبود دسترسی به ابزار و امکانات مناسب مانع از بهره‌برداری از منابع محدود شده است.

۱-۵. نبود قوه‌ی خلاقیت و ابتکار

در مناطق روستایی، به دلایل مختلف، قوه‌ی خلاقیت و ابتکار کم است. عواملی نظیر، فرهنگ سنتی علاقه به گذشته، عدم اطمینان نسبت به ایده‌ها و دیدگاه‌های جدید، پایین بودن ضریب ریسک‌پذیری، ضعف و عدم کارایی نظام آموزشی در پایین بودن ابتکار و خلاقیت در مناطق روستایی مؤثر است. همچنین عوامل دافعه روستایی و جاذبه‌های شهری باعث مهاجرت افراد تحصیل کرده و با سواد از روستا شده است. عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل اقتصادی، تنگناهای محیطی نیز در مهاجرت افراد نقش داشته و در نتیجه مناطق روستایی از نیروهای جوان و تحصیل کرده خالی می‌شود. این موضوع در پایین بودن ابتکار و خلاقیت نقش داشته است. مهاجرت، فرایند گزینشی است که در ابتدا، افراد نسبتاً آموزش دیده، ماهر و خلاق و دارای انگیزه بالای کاری را از مناطق مهاجر فرست جذب می‌کند (توتونچی، ۱۳۸۲: ۳۵).

بنابراین مهاجرت مستمر به خارج از منطقه، به خالی شدن روستاها از سرمایه‌ی انسانی و تراکم آن در مناطق شهری منتهی می‌شود و بهره‌وری این مناطق را ضمن کم کردن بهره‌وری مناطق روستایی، افزایش می‌دهد. در طول زمان تراکم سرمایه‌ی انسانی، رشد اقتصادی مناطق شهری را تقویت می‌کند.

۱-۶. کمبود سرمایه و کالاهای سرمایه‌ای

در مناطق روستایی، سرمایه محدود است. به دلیل ناچیز بودن میزان پس‌اندازها که خود ناشی از نازل بودن درآمد سرانه‌ی افراد روستایی است، سرمایه شکل نمی‌گیرد. به علاوه سرمایه‌ی شکل گرفته یا در بانک‌های شهری پس‌انداز شده و یا در خرید و فروش طلا و جواهرات، خرید و فروش زمین در مناطق شهری و... از دسترس خارج می‌شود. از طرف دیگر با توجه به پایین بودن سطح سواد و مهارت استفاده از ماشین‌آلات، سرمایه‌های موجود به طور صحیح به کار گرفته نمی‌شود و نتیجه‌ی آن پایین بودن بهره‌وری سرمایه در این مناطق است.

۲-۱. کوچکی، تعدد و پراکندگی قطعات زراعی

پراکندگی قطعات و کوچکی آن‌ها یکی از دشواری‌ها و موانع اصلی در راه افزایش تولید و توسعه‌ی کشاورزی است. این عامل در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید (زمین، نیروی کار و سرمایه) در مناطق روستایی بسیار اثر گذاشته است.

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به دو عامل اصلی در پراکندگی اراضی کشاورزی اشاره کرد، یکی عوامل جغرافیایی و طبیعی و دیگری عوامل اقتصادی و اجتماعی است. در دسته‌ی عوامل جغرافیایی و طبیعی؛ اختلاف در مرغوبیت اراضی، اختلاف در میزان دسترسی به آب، دوری یا نزدیکی اراضی نسبت به روستا، محدودیت منابع آب و خاک در کوچکی و پراکندگی قطعات اراضی اثر گذاشته است.

در دسته‌ی عوامل اقتصادی و اجتماعی؛ نظام ارباب و رعیتی، اصلاحات ارضی، ابتدایی بودن وسایل تولید، تقسیم زمین‌ها بین وراثت براساس قانون ارث، افزایش جمعیت، اشکال مالکیت و نظام‌های بهره‌برداری، نقش مؤثری در کوچکی و پراکندگی قطعات زراعی دارد. براساس آخرین آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران (نتایج سرشماری کشاورزی سال ۱۳۸۲) وسعت کل اراضی کشاورزی ایران اعم از اراضی زراعی و باغ و قلمستان حدود ۱۷۶۶۵۴۸۹ هکتار است. این میزان اراضی توسط ۳۱۵۳۲۴۴ واحد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳: ۱۳). مساحت متوسط زمین‌های مربوط به هر بهره‌برداری در این سال معادل ۴/۱ هکتار بوده است. از کل ۱۷/۷ میلیون هکتار زمین کشاورزی ایران حدود ۱۶/۲ میلیون هکتار آن اراضی زراعی و بقیه (۱/۵ میلیون هکتار) را باغ و قلمستان به خود اختصاص داده است.

براساس اطلاعات سال ۱۳۶۷، وسعت اراضی زراعی ایران ۱۷/۱ میلیون هکتار و تعداد واحد بهره‌برداری‌ها ۶۰۰۸۱۹۲ واحد بوده است (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۲۱). براساس این اطلاعات، متوسط واحدهای بهره‌برداری ۶/۵ هکتار بوده است. در فاصله‌ی سال‌های ۸۲-۱۳۶۷ متوسط واحد بهره‌برداری از ۶/۵ هکتار به ۴/۱ هکتار کاهش یافته است.

تلفات آب، اتلاف نیروی انسانی، عدم استفاده مؤثر از ماشین آلات کشاورزی، مصرف بیشتر نهاده‌ها به خصوص بذر و کود، عدم استفاده مؤثر از سرمایه در قطعات کوچک و پراکنده از عمده‌ترین معایب به شمار می‌آیند. این معایب، مانع از بهره‌برداری مناسب از عوامل تولید در بخش کشاورزی می‌شود.

پراکندگی اراضی سبب می‌شود که بهره‌وری نیروی کار و سرمایه کم شده، هزینه‌ها افزایش یافته و بخش وسیعی از اراضی به همراه مقدار قابل توجهی آب هدر رفته و هزینه‌ی مبارزه با آفات و گیرو... نیز افزایش یابد (همان: ۲۵).

از نظر نیروی کار، فرد در مزارع بزرگتر قادر است از ماشین آلات و تجهیزات جدید و مجهزتری استفاده نماید و از این طریق می‌تواند کارهای مربوط به مزارع وسیع‌تر را انجام داده و تولیدات بیشتری داشته باشد، که در مزارع کوچکتر قادر نیست. پراکندگی اراضی موجب هدر رفتن هزینه‌های فرصت (اتلاف زمان از طریق آمد و شد میان قطعات پراکنده، هزینه‌های اضافی ناشی از جابه‌جایی نیروی انسانی، وسایل و... بین قطعات) شده و در نهایت کارآیی مدیریت را پایین می‌آورد. (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۷۴: ۳۷)

زارع در اراضی یکپارچه و یکدست، به دلیل تنوع کمتر محصولات، تخصص بیشتری نسبت به کارش می‌تواند پیدا کند. در اراضی یکپارچه مدت زیادی از وقت مفید کار صرف رفت و آمد نمی‌شود. بنابراین در اراضی کوچک و پراکنده میزان کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی به مراتب کمتر از اراضی یکپارچه است.

استفاده درست و بهینه از ماشین آلات کشاورزی، بستگی زیادی به وضعیت زمین‌های کشاورزی دارد و زمین‌هایی که دارای طول و عرض مناسبی بوده و مسطح هستند، با کاربرد ماشین آلات در این اراضی بهره‌وری بیشتر است. به عنوان مثال می‌توان به کاربرد سیستم‌های آبیاری تحت فشار که پیرامون یک محور در گردش هستند، اشاره کرد. هر چه وسعت زمین بیشتر باشد، تعداد دهانه‌های بیشتری قابل استفاده بوده و کارایی این دستگاه‌ها افزایش خواهد یافت.

همچنین در قطعاتی که پراکنده و کوچک هستند، از یک طرف ماشین آلات بزرگ، قدرت مانور زیادی نداشته و از طرف دیگر مدتی از وقت مفید ماشین آلات در بین این قطعات پراکنده، صرف رفت و آمد می‌شود. در نتیجه کارایی این ماشین آلات در قطعات کوچک و پراکنده بسیار کمتر از اراضی یکپارچه است. ژاکوبی (۱۹۶۸) این نکته را خاطر نشان می‌سازد که ساختار فضایی پراکنش در اراضی زراعی، امکان افزایش راندمان در عوامل تولید و نیروی کار، زمین، سرمایه و... را محدود می‌سازد. (همان، ۳۸)

علاوه بر موارد بالا، از آنجا که در قطعات کوچک نیاز به مرز بندی می‌باشد، لذا بخشی از مساحت زمین به مرز بین قطعات اختصاص یافته و زمین به عنوان یک عامل کمیاب در برخی مناطق به هدر رفته و به طور

مطلوب مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. بنابراین بهره وری عوامل تولید در اراضی کوچک و پراکنده بسیار پایین است.

۲. عوامل بیرونی

۲-۱. دوگانگی و چندگانگی اقتصادی کشور

سیستم اقتصادی کشور از دو یا چند بخش اقتصادی مجزا از هم تشکیل شده است. به عبارتی روابط ارگانیک بین بخش‌های اقتصادی کشور وجود ندارد. دوگانگی اقتصادی عمدتاً به صورت زیر نمایان است:

وجود بخش پیشتاز و بخش سنتی؛

وجود منطقه‌ی شهری و منطقه‌ی روستایی؛

وجود بخش صنعتی در مقابل بخش عقب مانده کشاورزی؛

وجود بخش مالی و بانکی پیشرفته و بخش مالی قدیمی تحت کنترل سلف خران و نزولخوران.

در بخش پیشرو، تحولات سریعتر اتفاق می‌افتد، سرمایه بر است، درآمد زاست، وابسته به بازار و اقتصاد تجاری است. در مقابل بخش سنتی، کاربرد، اقتصاد معیشتی و تغییر و تحولات محدود است. ویژگی‌های مناطق روستایی کشور که در بخش سنتی گفته شد، مانع از پویایی اقتصادی و فراهم شدن زمینه‌های بهره‌برداری مطلوب از منابع تولید می‌شود.

به واسطه‌ی تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری در مراکز شهری، معمولاً روستاها از طریق ارزش افزوده انتقالی خود به شهرها به طور مداوم باعث افزایش توان شهرها می‌شوند، اما خود از لحاظ توسعه و رشد از شهرها عقب می‌مانند. در الگوی دوگانگی، شهر و روستا در مقابل هم قرار می‌گیرد و جنبه‌های مکمل آن دو، کمتر مورد توجه است. (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۷)

وجود دوگانگی، باعث جابجایی نیروی کار و سرمایه از بخش سنتی به بخش جدید و نوین می‌شود. پایین بودن ارزش سرمایه و بازدهی کم آن در بخش سنتی (مناطق روستایی) هیچ‌گونه انگیزه‌ای در سرمایه‌گذاری آن شکل نمی‌گیرد. این موضوع در کاهش بهره وری عوامل تولید و به خصوص سرمایه و به تبع آن فقر اقتصادی روستاها نقش مؤثری دارد.

۲-۲. عقب ماندگی تکنولوژی

فن آوری شامل مهارت‌ها، دانش و روش ساخت، استفاده و انجام کارهای مفید است. بر اساس این تعریف گاو آهن و تراکتور هر دو فن آوری هستند، اما یکی ساده و قدیمی و دیگری پیچیده و جدید است. عقب ماندگی تکنولوژیک کشور در وهله‌ی اول در هزینه‌ی متوسط نسبتاً زیاد تولید علی‌رغم دستمزدهای نازل پرداختی، و در گام دوم در نسبت زیاد کار به تولید و نسبت زیاد سرمایه به تولید است، که نمایانگر پایین بودن کارایی کار و سرمایه است. در گام سوم استفاده از نیروی کار غیر ماهر و متخصص در جریان تولید و در گام آخر در استفاده از کالاهای سرمایه‌ای بیشتر برای رسیدن به خودکفایی در توسعه‌ی ملی نهفته است. (قره‌باغیان، ۱۳۷۵: ۵۱)

به دلیل کاربرد شیوه‌های غیر کارای تولید، متوسط هزینه‌ی تولید نسبتاً زیاد است، لذا کاربرد کالاهای سرمایه‌ای در بخش کشاورزی، مستلزم هزینه‌های زیادی است. از طرف دیگر کمبود نیروی متخصص و ماهر امکان استفاده مطلوب از فن آوری جدید در جامعه‌ی روستایی را محدود کرده و در صورت استفاده نیز دارای کارایی و بازدهی کم است. تحقیقات انجام شده در منطقه‌ی تربت حیدریه در سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد که کمبود فن آوری آبیاری تحت فشار یا قطره‌ای، بهره‌وری آب به شدت کاهش یافته و کشاورزان در هر واحد تولیدی بیشتر از میزان مورد نیاز از منابع آب استفاده می‌کرده‌اند. این موضوع مانع از به زیر کشت بردن زمین‌های دیگر به زیر کشت می‌شد و در کاهش درآمد روستائیان بسیار مؤثر بوده است (یاسوری، ۱۳۸۰، ۲۷۴)

۲-۳. نابرابری

در جهان کنونی نابرابری در همه سطوح؛ جهانی، ملی، منطقه‌ای، شهر و روستا و... وجود دارد. این نابرابری در دهه‌های اخیر به مرزهای غیر قابل تصور و انفجار آمیز رسیده است. مجموع دارایی سه تن از ثروتمندترین افراد جهان برابر با درآمدخالص ملی ۴۸ کشور فقیر جهان است (اخباری، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

وجود نابرابری‌های منطقه‌ای، نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری اقتصادی و اجتماعی و نابرابری در تمرکز ثروت و سرمایه در کشور در عقب ماندگی اقتصادی نواحی روستایی و پایین بودن بهره‌وری عوامل تولیدی اثر گذاشته است. وقتی سرمایه در چند نقطه متمرکز شود، پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت. اولاً تعداد افرادی که بدون سرمایه و یا با دارایی کم هستند، افزایش می‌یابد، در نتیجه تقاضا برای وام بالا می‌رود. ثانیاً چون فقرا و

طبقه‌ی متوسط در اکثریت اند، از پیامدهای جانبی رشد، نابرابری ثروت، شکل‌گیری سرمایه‌گذاری در بورس سهام، سفته‌بازی و دلالتی است. محدودیت شکل‌گیری سرمایه در نواحی روستایی در نهایت منجر به عدم سرمایه‌گذاری و تجهیز منابع در این مناطق می‌شود و شکاف بین نواحی روستایی و شهری بیشتر می‌شود.

از پیامدهای نابرابری اقتصادی بروز نابرابری اجتماعی، فرهنگی و... است. اقلیت ثروتمند از همه‌گونه امتیاز اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند. حتی تسهیلات دولتی بیشتر نصیب افراد مرفه‌تر می‌شود. تصور کنید دولت برای بهسازی مسکن روستایی، تجهیز مزارع سایر امور اعتبارات و تسهیلاتی را ارائه می‌کند، اما اغلب روستائیان به دلیل نبود عدم امکان بهره‌گیری - اعم از نداشتن ضامن، عدم توان باز پرداخت سر رسید وام‌ها و... - تمایلی به استفاده از این تسهیلات ندارد.

در قانون برنامه‌ی چهارم پیش‌بینی شده است تا دستگاه‌های اجرایی مسئول نسبت به صدور اسناد مالکیت در مناطق روستایی بزرگ اقدام کنند. این موضوع می‌تواند علاوه بر به رسمیت شناخته شدن املاک روستایی، زمینه‌ی استفاده از اعتبارات بانکی را فراهم آورد.

جدول شماره ۱ - ضریب جینی را در مناطق شهری و روستایی در برنامه‌های گذشته نشان می‌دهد. در واقع وضعیت نابرابری این مناطق را به تصویر کشیده است. بر اساس این جدول بین مناطق شهری و روستایی شکاف درآمدی زیادی وجود دارد. از طرف دیگر در بین مناطق روستایی نیز شکاف درآمدی بالاتری مشاهده می‌شود. در حالی که در مقایسه بین ۲۰ درصد درآمد بالا (دو دهک اول) در مناطق شهری در برنامه‌ی سوم توسعه ۸/۳ درصد بوده است، این رقم در مناطق روستایی بیش از ۱۰ درصد بوده است. یعنی ۲۰ درصد روستائیان دارای درآمد بالا حدوداً ۱۰/۳ برابر ۲۰ درصد درآمد پایین در این مناطق است. و این مطلب شکاف درآمدی بالاتر را در آن نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های نابرابری بین مناطق شهری و روستایی طی دوره (۸۰-۱۳۶۸)

سال	ضریب جینی			نسبت دهک بالا به دهک پایین			نسبت (٪۲۰) بالا به (٪۲۰) پایین		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
میانگین دوره (۶۷-۱۳۶۳)	۰/۴۴۶	۰/۴۲۶	۰/۴۲۶	۲۳/۷۴	۱۹/۴۰	۲۱/۲۳	۱۱/۵۱	۱۰/۰۰	۱۰/۳۵
۱۳۶۸	۰/۴۴	۰/۴۲	۰/۴۲	۲۳/۱	۱۹/۱	۲۲/۱	۱۱/۱	۹/۷	۱۰/۲
۱۳۶۹	۰/۴۳	۰/۴	۰/۴۵	۲۳/۶	۱۶/۹	۲۸/۵	۱۱/۰	۸/۵	۱۲/۶
۱۳۷۰	۰/۴۸۶	۰/۴۷۷	۰/۴۵۲	۳۳/۴	۲۶/۳	۲۹/۰	۱۴/۲	۱۱/۹	۱۲/۸
۱۳۷۱	۰/۴۳۵	۰/۴۱	۰/۴۳۴	۲۳/۲	۱۶/۵	۲۴/۸	۱۱/۱	۸/۷	۱۱/۶
۱۳۷۲	۰/۴۲۵	۰/۳۹۳	۰/۴۳۱	۲۲/۱	۱۴/۹	۲۵/۹	۱۰/۵	۸/۰	۱۱/۵
۱۳۷۳	۰/۴۲۴	۰/۳۹۵	۰/۴۳۱	۲۰/۰	۱۴/۵	۲۲/۸	۹/۹	۷/۹	۱۰/۶
۱۳۷۴	۰/۴۲۷	۰/۴۰۲	۰/۴۳۷	۲۰/۵	۱۵/۰	۲۳/۵	۱۰/۲	۸/۲	۱۱/۳
۱۳۷۵	۰/۴۳	۰/۴۰۴	۰/۴۲	۲۰/۲	۱۵/۰	۱۹/۹	۱۰/۲	۸/۳	۱۰/۰
۱۳۷۶	۰/۴۲۲	۰/۳۹	۰/۴۲	۱۸/۹	۱۳/۹	۱۹/۲	۶/۷	۷/۸	۹/۷
۱۳۷۷	۰/۴۳	۰/۳۹	۰/۴۴	۲۱/۲	۱۴/۲	۲۳/۰	۱۰/۵	۷/۹	۱۱/۱
۱۳۷۸	۰/۴۲	۰/۴	۰/۴۳	۱۹/۴	۱۴/۳	۲۰/۳	۹/۹	۷/۹	۱۰/۲
۱۳۷۹	۰/۴۳۰	۰/۴۰۶	۰/۴۲۹	۲۰/۰۷	۱۵/۰۹	۲۰/۶۴	۱۰/۱۳	۸/۲۰	۱۰/۳۱
۱۳۸۰	۰/۴	۰/۴۱۱	۰/۴۱۵	۱۹/۴۰	۱۵/۴۴	۱۸/۲۲	۹/۹۶	۸/۳۶	۹/۵۰

مأخذ: آمار و بودجه خانوار، مرکز آمار ایران

۲-۴. تفاوت بین درآمد - هزینه خانوار شهری و روستایی

یکی از علل رکود اقتصادی در مناطق روستایی درآمد و هزینه خانواده‌های روستایی است. بین درآمد و هزینه خانوادگی شهری و روستایی در دهه‌های اخیر تفاوت‌هایی وجود داشته است. عواملی که باعث

مهاجرت‌های روستائیان می‌شود؛ عوامل اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و فرهنگی و یا آمیزه‌ای از همه‌ی این عوامل باعث مهاجرت روستائیان به شهرها می‌شود و در نتیجه خالی شدن روستا از نیروهای فعال جمعیت، و از دست رفتن توان و قدرت تولید را به دنبال خواهد داشت. از عوامل دیگر، اختلاف سطح درآمد بین مناطق شهر و روستا است. قوی‌ترین انگیزه مهاجرت برای افراد و بخصوص جوانان دست‌یابی به درآمد بیشتر است که در نتیجه‌ی نبود بازار کار به وجود می‌آید. کاهش نسبت نیروی کار تحصیل کرده در میان روستائیان باعث رکود فعالیت‌های کشاورزی می‌شود. در نتیجه سهم این نیروی تحصیل کرده در روستا کم شده و باعث کاهش تولید و عدم انتقال یافته‌های جدید علمی به بخش تولید روستایی می‌شود و توان اشتغال‌زایی روستا دچار انحطاط می‌شود. مسأله‌ی مهم در این جا ایجاد طرح‌های جدید اشتغال‌زایی در روستاها برای کاستن روند مهاجرت روستائیان به شهر است. (سلی، ۱۳۷۳: ۵۷)

کاهش میزان فعالیت در بخش کشاورزی دلایل زیادی دارد، ولی ارتباط بازار کار و مهاجرت از مناطق روستایی دارای اهمیت ویژه‌ای است. با توجه به آمارهای موجود مهاجرت به دلیل درآمد صورت می‌گیرد. مهاجرین بخش کشاورزی که دارای درآمد پایین هستند، به طرف مناطق با درآمد بالاتر سرازیر می‌شوند. (هاشمی، ۱۳۷۸: ۱۱)

جدول شماره ۲. وضعیت فقر را در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، فقر نسبی و مطلق در مناطق روستایی، طی برنامه‌های گذشته نه تنها بهبود چندانی نیافته است، بلکه همواره از سطح فقر در مناطق شهری بالاتر بوده است. نکته‌ی قابل توجه فاصله و شکاف بالای میزان فقر در مناطق شهری و روستایی است. در حالی که میزان فقر مطلق در مناطق روستایی در ابتدای برنامه‌ی سوم ۲۲/۴ درصد بوده است. این رقم در مناطق شهری ۱۱/۶ درصد یعنی تقریباً نصف میزان فقر در مناطق روستایی است. یکی از مهمترین عوامل بالا بودن فقر در مناطق روستایی، وجود تنگناها، محدودیت‌ها و زیرساخت‌هاست. از طرف دیگر محدودیت‌های بازار، بخش وسیعی از ارزش افزوده مناطق روستایی را از دسترس آنان خارج می‌کند و در نتیجه درآمد در این مناطق بسیار پایین است.

جدول شماره ۲. درصد خانوارهای شهری و روستایی زیر خط فقر نسبی و

خط فقر مطلق (۱۳۶۸-۷۸)

خط فقر مطلق		فقر نسبی خط		سال
مناطق روستایی	مناطق شهری	مناطق روستایی	مناطق شهری	
۲۳/۷۷	۱۵/۱۳	۲۲/۱۵	۲۱/۴۸	میانگین دوره (۱۳۶۸-۶۷)
۲۵/۸۵	۱۷/۲۶	۲۱/۱۲	۲۱/۶۹	۱۳۶۸
۲۵/۳۹	۱۶/۵۶	۲۳/۶۷	۱۹/۱۱	۱۳۶۹
۲۶/۷۴	۱۴/۵۲	۲۴/۶۸	۲۰/۴۸	۱۳۷۰
۲۵/۲۱	۱۴/۳۴	۲۴/۴	۱۹/۵۱	۱۳۷۱
۲۵/۳۳	۱۲/۷۲	۲۲/۹۷	۱۸/۷	۱۳۷۲
۲۲/۸۲	۱۱/۰۳	۲۱/۷۱	۱۷/۹۴	۱۳۷۳
۲۲/۹۸	۱۲/۶۶	۲۳/۴۱	۱۸/۸۵	۱۳۷۴
۲۳/۳۹	۱۲/۵	۲۱/۹۵	۱۹/۳۶	۱۳۷۵
۲۲/۳	۱۱/۱۹	۲۱/۳۱	۱۷/۷۴	۱۳۷۶
۲۲/۶۳	۱۰/۴۳	۲۱/۷۶	۱۸/۷۲	۱۳۷۷
۲۰/۶۶	۱۱/۲	۲۲/۶۵	۱۸/۲۹	۱۳۷۸
۲۲/۳۹	۱۱/۶۰	۲۲/۲۲	۱۸/۵۹	میانگین برنامه‌ی سوم توسعه

مآخذ: آمار بودجه خانوار مرکز آمار ایران

نابرابری در سطح دستمزدها یکی دیگر از مواردی است که باعث تشدید مهاجرت نیز می‌شود. در مناطق با نهاده‌های ضعیف اقتصادی و هزینه‌ی حمل و نقل بالا، دستمزدها پایین خواهد بود. و جریان آزاد کالا و سرمایه دستمزدها را به سطح دستمزدهای پرداختی در مناطق شهری نخواهد رساند. بنابراین، دستمزدهای یک فشار برای مهاجرت به شهرهای بزرگ و کوچک به شمار می‌رود (کالیر پل، ۱۳۸۳: ۱۶).

۲-۵. الگوهای توسعه

الگوهای توسعه می‌توانند از نظر قلمرو و محدوده‌ی فعالیت بخش دولتی و خصوصی به الگوهای برنامه‌ریزی متمرکز، خصوصی و عدم تمرکز، مختلط و یا تلفیقی طبقه‌بندی شود. در الگوهای برنامه‌ریزی متمرکز دولت به تعیین اهداف برنامه‌ها، سیاست‌ها و تدابیر می‌پردازد. این الگو به ساختار بازار توجهی ندارد. در چنین شرایطی بخش‌های سنتی همواره عقب‌مانده‌تر هستند، چرا که دولت توان کافی در حمایت از این بخش‌ها ندارد. از نظر توسعه‌ی فعالیت بخشی الگوهای توسعه به الگوی توسعه‌ی صنعتی، کشاورزی و یا تجارت تقسیم می‌شود.

ایران علی‌رغم این که در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه پس از انقلاب، کشاورزی به عنوان محور توسعه قلمداد گردید، اما عملاً الگوی توسعه کشاورزی پیاده نشد. در الگوی توسعه‌ی کشاورزی، تمامی امکانات و عوامل جامعه و نیز تمام تلاش‌های جامعه در راستای افزایش سطح زیر کشت، متوسط تولید در هکتار و نیز کاهش هزینه‌های تولید محصولات کشاورزی به کار گرفته می‌شود (همان منبع: ۷۸) در این برنامه‌ها بخش کشاورزی توانست در مقایسه با سایر بخش‌ها به تجهیز و نوسازی خود پردازد و از تحولات به وجود آمده بهره‌گیرد. در نتیجه کارایی عوامل تولید در این بخش کاهش یافته و یا بهبود نیافت. از طرف دیگر به دلیل محدودیت سرمایه در مناطق روستایی و مشکلات ساختاری بخش کشاورزی که مانع از جذب سرمایه‌های ملی، اعتبارات و تسهیلات گردید و همچنین عدم تمایل بخش خصوصی در کشاورزی الگوی توسعه به کار گرفته شده در این بخش عمدتاً کاربر بوده است تا سرمایه‌بر.

در الگوی توسعه‌ی کاربر^۱ به دلیل به کارگیری فراوان از نیروی کار هزینه‌های تولید محصولات کشاورزی بالا رفته و عمدتاً امکان افزایش ارزش افزوده در بخش فراهم نگردید. پایین بودن ارزش افزوده در کاهش درآمد و کاهش بهره‌برداری عوامل تولید در مناطق روستایی اثر گذاشته است.

۲-۶. قوانین و مقررات و اثرات اقتصاد سیاسی

در وضعیت کنونی جهان ما نمی‌توانیم بدون تحلیلی تمام و کمال از اثرات صنعتی شدن، توسعه‌ی اقتصادی، و جهانی شدن بازارها بر نواحی روستایی، شناختی از این پدیده‌ها داشته باشیم. چالش موجود در

1. labour-intensive

تأمین غذا و خودکفایی در محصولات استراتژیک از یک طرف، محدودیت منابع و مشکلات ساختاری در بخش کشاورزی از طرف دیگر و تلاش‌های دولت در حمایت از این بخش که در قوانین و مقررات و مصوبات شورای اقتصاد تجلی می‌یافت، باعث گردید تا مناطق روستایی که مراکز تولید کشاورزی بوده‌اند در شرایطی قرار گیرند که عملاً امکان رقابت با اقتصاد ملی و اقتصاد نفت را نداشته باشند.

افزایش و کاهش قیمت نفت در دهه‌های اخیر، درگیری کشور در مرزهای غربی، محاصره‌ی اقتصادی، مشکلات داخلی ناشی از تورم و بیکاری همگی موجب گردید تا دولت در بسیاری مواقع به اتخاذ تصمیمات مقطعی اقدام کند. از طرف دیگر کسری بودجه، استقراض خارجی و استقراض از بانک مرکزی برای جبران کسری بودجه باعث گردید تا عملاً دولت نتواند به اقدامات عمرانی زیر بنایی در بخش کشاورزی دست بزند. در سال‌های اخیر سهم اعتبارات عمرانی کشور کمتر از ۲۰ درصد بوده است. بخصوص فصل کشاورزی دارای سهم کمتری از سایر فصول بوده و یا بنا به نیاز بخش کشاورزی از سهم چندانی برخوردار نبوده است.

وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر در زمینه‌ی صادرات و واردات محصولات و نهاده‌های کشاورزی، وجود قوانین و مقررات محدود کننده در استفاده از اعتبارات و تسهیلات بانکی، مشکل مالکیت زمین و نظام‌های بهره‌برداری، نبود حتمیت در مالکیت منابع آب و خام در عرصه‌های طبیعی کشور، مشکلات حقوقی در بهره‌برداری از منابع آب سطحی و اراضی پشت سدها، نبود اسناد مالکیت اراضی، نبود سیاست‌های کشت، عدم وجود و عدم اجرای قوانین مرتبط با تغییرات کاربری اراضی، پایین بودن و عدم پوشش خرید تضمینی محصولات کشاورزی^۲، عدم حمایت‌های لازم از محصولات کشاورزی و واردات بی‌رویه‌ی محصولات کشاورزی نظیر چای، پنبه، برنج و... که آسیب‌پذیری محصولات داخلی را به شدت افزایش داده است. همچنین وجود واردات غیر قانونی و قاچاق و اقتصاد غیر رسمی باعث از بین بردن فرصت‌های لازم در بهبود شرایط افزایش بهره‌وری عوامل تولید در این بخش شده‌است.

۲- یکی از دلایل پایین نگه داشتن قیمت محصول کشاورزی در ایران، جلوگیری از افزایش قیمت این محصولات و کمک به شهرنشینان است. تا محصولات کشاورزی با قیمت کمتری به دست مصرف کنندگان شهری برسد

نتیجه گیری

- علاوه بر موارد بالا، در یک جمع بندی کلی می توان عوامل زیر را که از جمله مشکلات کشاورزی در ایران است، به عنوان عوامل مانع از توسعه و افزایش بهره وری عوامل تولید در این بخش بیان کرد:
- پایین بودن سطح آموزش ترویج و تحقیقات در بخش کشاورزی؛
 - بالا بودن سطح شاغلان در این بخش؛
 - پایین بودن سطح درآمد روستائیان به نسبت شهرنشینان؛
 - مشخص نبودن مالکیت اراضی و مسایل و مشکلات حقوقی و ساختاری نظام ارضی؛
 - پایین بودن میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی؛
 - نبود ارتباط تنگاتنگ بین این بخش و سایر بخش های اقتصادی؛
 - کمبود نیروی انسانی جوان و متخصص (حدود ۴۶ درصد از شاغلان بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۲ بیش از ۵۰ سال سن داشته اند)؛
 - مسائل مربوط به سرمایه گذاری و اعتبارات در بخش کشاورزی؛
 - کمبود و عدم بهره برداری صحیح از منابع آب؛
 - نبود بازار مناسب و مشکلات و موانع بازاریابی محصولات کشاورزی؛
 - پراکندگی و کوچکی زمین های کشاورزی که موجب عدم استفاده صحیح از نهاده های کشاورزی می شود؛
 - پایین بودن سطح قیمت محصولات کشاورزی نسبت به سایر محصولات؛
 - کویرزایی، فرسایش و تخریب زمین های کشاورزی؛
 - وجود اقتصاد زیر زمینی، قاچاق و واردات بی رویه محصولات کشاورزی.
- نتیجه ی موارد بالا پایین بودن بهره وری عوامل تولید، پایین بودن میزان درآمد و عقب ماندگی نواحی روستایی است.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، ۱۳۸۱، بررسی مزیت نسبی کشاورزی و الگوی بهینه‌ی کشت، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، پایان‌نامه‌ی دوره کارشناسی ارشد.
۲. احمدیان، محمد علی، ۱۳۸۲، *افزایش جمعیت شهری از دیدگاه برنامه ریزی شهری و ناحیه‌ای*، مجله‌ی جغرافیا و توسعه، شماره ۲.
۳. اخباری، محمد، ۱۳۸۳، *رابطه برابری با رشد اقتصادی از دیدگاه مکاتب اقتصادی*، اقتصاد و جامعه، تهران مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۴. تیاسن، آمار، ۱۳۷۷، *اقتصاد کشاورزی و فرایند توسعه‌ی اقتصادی*، ترجمه‌ی غلامرضا آزاد و احمد یزدان پناه، تهران، وزارت بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۵. ختایی، محمود، ۱۳۷۸، *بخش کشاورزی و نقش آن در توسعه‌ی اقتصادی کشور*، تهران: وزارت کشاورزی، مؤسسه‌ی پژوهش‌ها و اقتصاد کشاورزی.
۶. جوان، جعفر، ۱۳۸۰، *جغرافیای جمعیت ایران*، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
۷. چمبرز، رابرت، ۱۳۷۶، *توسعه‌ی روستایی، اولویت بخشی به فقرا*، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۴۴.
۸. دبرتین، دیوید، ۱۳۷۶، *اقتصاد تولید کشاورزی*، ترجمه‌ی محمدقلی موسی نژاد، رضا نجارزاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مؤسسه‌ی تحقیقات اقتصادی.
۹. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، ۱۳۷۳، *بررسی دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با فرایند یکپارچه سازی اراضی زراعی (قسمت اول)*، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال دهم، شماره ۱.
۱۰. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، ۱۳۸۲، *نقش روستا در امنیت غذایی*، خلاصه مقالات همایش کشاورزی و توسعه‌ی ملی، تهران: مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۱۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۳، *قانون برنامه‌ی چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*.
۱۲. سعیدی، عباس، ۱۳۷۷، *مبانی جغرافیای روستایی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۳. سلی، فیندل، ۱۳۷۳، *برنامه ریزی مهاجرت‌های داخلی*، ترجمه‌ی عبدالعلی لهسایی زاده، تهران.
۱۴. قره‌باغیان، مرتضی، ۱۳۷۵، *اقتصاد رشد و توسعه*، جلد اول، تهران: نشر نی.
۱۵. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳، *گزیده نتایج سرشماری عمومی کشاورزی، ۱۳۸۲*، دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی.

۱۶. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۴، سرشماری عمومی کشاورزی، ۱۳۸۲، تهران: دفتر انتشارات و اطلاع رسانی.
۱۷. هاشمی، حسن و دیگران، ۱۳۷۸، پنج مقاله در باب نیروی انسانی در بخش کشاورزی، وزارت کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۱۸. یاسوری، مجید، ۱۳۸۰، بازساخت محیط برای توسعه پایدار، دانشگاه فردوسی مشهد، پایان‌نامه‌ی دوره دکتری.
19. Chambers, Robert. 1986 " *Rural development, putting the last first*, longman scientific & technical . p35-40
20. Joachim Singelmann , 1996, *Will Rural Areas still matter in the 21st century ?* Rural Sociology Vol.,61,no 1.
21. Misra,R.P. Achyuta, R.N (1990) "*micro - level Rural planning: principle, Methods and case study*", concept publishing company, New Delhi.
22. <http://www.iran-enrooz.net/index.php?/news2/more/1212/>.

مشخصات نویسنده:

دکتر مجید یاسوری دانشیار جغرافیای روستایی دانشگاه فردوسی مشهد.